یارمهربان

«نویسندگی با صدای بلند» منتشر شد

کتاب «نویسندگی با صدای بلند، راهکارهای نوشتن برای رسانه و رادیو» نوشته یدالله گودرزی منتشر شد.در معرفی این کتاب که به همت جشنواره رادیو توسط انتشارات سروش به چاپ رسیده است، می‌خوانیم: «این کتاب مورد نیاز همه کسانی است که می‌خواهند نویسنده شوند و در رسانه‌های جدید، مخاطبان بیشمار را به خوانش متن‌هایشان فرابخوانند.

در این کتاب، مباحثی از این دست آمده است: اهمیت و خاستگاه‌های نوشتن، تفاوت نوشتار رادیو و دیگر رسانه‌ها، شکسته‌گویی و شکسته‌نویسی، فرایند نگارش برای رادیو، شگردهای تاثیرگذاری، گزینش نام، نوشتن برای برنامه، جمله‌بندی، الگوهای تنظیم متن، گرافیک متن، نکاتی برای بهتر نوشتن، نوآوری در نوشتن، تقلید در نویسندگی، نمایش رادیویی، اقتباس در رادیو، کتاب صوتی و اقتباس، داستان در رادیو، طنز و انواع آن، خبر در رادیو، نویسندگی برای فضای مجازی، اینستاگرام، بله، ایتا و تلگرام، هوشواره (هوش مصنوعی)، آیین‌نامه نویسندگی.در پایان کتاب نیز به نام‌های نویسندگان رادیو اشاره شده که بعضا از نویسندگان برجسته کشور هستند.در این کتاب راهکارهای گوناگونی برای علاقه‌مندان به نویسندگی در رادیو و رسانه‌های مجازی آمده است. با توجه به اینکه در این زمینه آثار اندکی وجود دارد این کتاب می‌تواند یاریگر نویسندگان، برنامه‌سازان و بالاگرها باشد.»

یدالله (شهاب) گودرزی در بخشی از این کتاب با عنوان «هوش مصنوعی و رسانه» نوشته است: «یکی از امکانات تازه فناوری، هوشواره یا همان هوش مصنوعی است. هم‌اکنون با توجه به ناشناختگی امکانات این پدیده تازه در عرصه‌های هنری و ادبی بعضاً در حد تفنن و ماجراجویی به کار گرفته شده اما قطعاً به زودی با شناخت ظرفیت‌های آن کاربرد وسیع و گسترده‌ای در حوزه‌های ادبی و هنری مانند حوزه‌های دیگر پیدا خواهد کرد. این روزها کارافزارها و اپ‌هایی در دسترس عموم قرار گرفته که با توجه به رایگان بودن آنها نسخه‌های اولیه‌ای از این فناوری است و برای کارهای حرفه‌ای‌تر و پیچیده‌تر باید از نسخه‌ها و بخش‌های پولی بهره گرفت.

در فضای مجازی و رایاسپهر وبگاه‌های مختلفی به معرفی کارافزارهای هوشواره می‌پردازند و آنها را خوب و بی‌نقص معرفی می‌کنند در حالی که به راستی چنین نیست و به خاطر غیبت هوش و هیجانی و عاطفی ندارد و این موضوع ممکن است این پدیده را در تفسیر متون دچار اشتباه کند. دیگر آنکه حریم خصوصی فعلا در هوشواره جایی ندارد.

متن‌ها و نوشتارهایی که کارافزارهای هوشواره تولید می‌کنند و شخصاً آنها را آزمایش کرده‌ام ایراداتی دارند که برخی از آنها را برمی‌شمارم:

۱- فقدان عمق لازم پژوهش‌ها
۲ - کلیشه‌پردازی و تکرار
۳- تهی بودن از احساسات انسانی
۴- یکدست نبودن مطالب ارائه‌شده
۵- ذکر نکردن منابع
۶- ناپیوستگی نوشتارها
۷- بروز اشتباه در کاربرد مطالب، جمله‌ها، واژه‌ها و...

البته برخی از همین الان سراغ بهره‌برداری از این امکان رفته‌اند و در حوزه‌های مختلف از آن بهره می‌گیرند و این بهره‌گیری نیز جز با نگاه ژرف و دقیق قابل تشخیص نیست، اما بدون تردید هرچه جلوتر برویم نقص‌ها و کاستی‌های فضای هوشواره کمتر خواهد شد.

در حوزه داستان‌نویسی شخصاً دست به تجربه‌های جالبی با هوش مصنوعی زده‌ام، در زمینه شعر هم این کار را کرده و نیز در برخی زمینه‌های دیگر که پاسخ‌های جالبی دریافت کرده‌ام. البته در حوزه شعر، پاسخ‌های هوشواره ناقص و دم دستی و گاه خنده‌دار بود اما پاسخی که از هوشواره در حوزه داستان دریافت کردم بسیار جالب می‌نمود که نمونه‌ای از آن در کتاب آمده است، داستانی تخیلی درباره راه‌اندازی یک شبکه رادیویی فارسی‌زبان در مریخ.»

احیاء معماری دوره ساسانی در سریال «سلمان فارسی»

تصویربرداری مجموعه «سلمان فارسی» به فصل ایران باستان رسیده است، این روزها در حال آماده‌سازی دکور و احیاء معماری دوره ساسانی برای به تصویر کشیدن این دوره است.

انتشار ویدیویی از کارگاه‌های در حال فعالیت مجموعه «سلمان فارسی» نشان می‌دهد که این مجموعه مدتی است به فصل ایران باستان رسیده است.

ساخت ارابه و ابزارهای جنگی، لباس‌های دوره ساسانی و همچنین وسایل چرمی در کارگاه‌های مختلف به همراه کاخ‌های این دوره در حال آماده سازی است.

به گفته عباس بلونـدی ـ مدیر طراحی بخش ایران باستان ـ ساخت دکور مربوط به این دوره که به ۱۶۰۰ سال پیش برمی‌گردد، معماری‌های دوره ساسانی که شامل خانه پدری سلمان فارسی و کاخ‌های دوره ساسانی و ... است، قرار است احیاء شود.

بخشی از کارگاه مجموعه سلمان فارسی در شهرک غزالی مربوط به ساخت وسایل و اشیاء چرمی است. چرم جزو کالایی بوده که در دوره ساسانی مورد توجه زیادی حتی نسبت به پارچه بوده، به همین منظور انواع اشیاء چرمی در آن دوره برای به تصویر کشیدن در حال ساخت و بازسازی است.

مجموعه «سلمان فارسی» به کارگردانی داود میرباقری در سه فصل بیزانس، ایران باستان و حجاز در ۶۰ قسمت تولید می‌شود.

پخش این مجموعه قرار است از اوایل تابستان ۱۴۰۵ به آنتن برسد.

با پایان فصل بیزانس، فصل ایران باستان در شهرک سینمایی تلویزیونی ایران به کارگردانی داود میرباقری تصویربرداری می‌شود.

اسماعیل عفیفه:

مسدود کردن پلتفرم «سووشون» قابل فهم نیست

اسماعیل عفیفه تعطیلی موقت پلتفرم پخش‌کننده سریال «سووشون» را بدعتی خطرناک می‌داند که می‌تواند تیشه به ریشه نهال نوپای نمایش خانگی بزند. وی با مرور تاریخچه پُرچالش نمایش خانگی در ایران و آسیب‌پذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در این حوزه، خواستار بازگشایی پلتفرم توقیفی شد.

اسماعیل عفیفه ، تهیه‌کننده باسابقه در یادداشتی در ابتدا با مروری بر فراز و نشیب‌های نمایش خانگی در ایران از دهه ۹۰، با اشاره به دشواری‌های جذب سرمایه خصوصی در این بازار نوظهور و ناشناخته بر نقش حیاتی آن در ایجاد اشتغال برای هنرمندان تاکید کرد.

عفیفه با بیان تردیدهای مکرر سرمایه‌گذاران به دلیل چارچوب و ضوابط روشن نداشتن و امکان توقیف پروژه‌های کلان، این پرسش بنیادین را مطرح کرد که «پس چرا هنوز در این کشور فیلم می‌سازیم؟» و سپس به پرسش خود پاسخ داد.

در یادداشت تهیه‌کننده سریال‌هایی چون «زمانه»، «میوه ممنوعه»، «پس از باران»، «نام»، «جبران» و «جنگل آسفالت» آمده است:

«از دهه نود که نمایش خانگی در ایران به راه افتاد، مسیر پُر فراز و فرود و البته دشواری را طی کرده است. به عنوان کسی که سال‌هاست در حوزه تهیه‌کنندگی فیلم و سریال فعالیت می‌کنم از همان آغاز شاهد تحولات مربوط به نمایش خانگی بودم‌ام؛ چه در زمانی که تلاش می‌شد صاحبان سرمایه را به این بازار نوظهور و البته ناشناخته علاقمند کنیم و چه در زمانی که پلتفرم‌ها تمایل پیدا کردند به طور جدی در آن سرمایه‌گذاری کنند. به دلایل حرفه‌ای و علاقه شخصی و البته فراهم شدن بازار کار برای انبوه شاغلان حوزه فیلمسازی تمام تلاشم را می‌کردم که تولید فیلم و سریال در بخش خصوصی تقویت شود، زیرا از طرفی از نزدیک شاهد بودم که چگونه تلویزیون با نگاهی سیاسی و جناحی موجب شده که بسیاری از هنرمندان ـ که زمانی با افتخار در آن حضور می‌یافتند ـ تمایلی به همکاری در فیلم و سریال‌های تلویزیونی نداشته باشند و از طرف دیگر می‌دیدم که سینما نیز در دوران جدید در همه جای دنیا همیشه و محبوبیت سابق را از دست داده و اگر نبود راه‌اندازی شبکه نمایش خانگی، بیکاری انبوه هنرمندان این رشته بحرانی دیگر بر سایر مشکلات کشور می‌افزود. با وجود همه این‌ها بسیاری از اوقات به تردید می‌افتادم که چرا صاحبان سرمایه باید در جایی سرمایه‌گذاری کنند که چارچوب و ضوابط روشنی ندارد و بسیاری اوقات وضع روحی و خُلقی شخصی حقیقی ـ و نه حقوقی ـ می‌تواند پروژه‌ای که ده‌ها میلیارد هزینه صرف آن شده را به محاق توقیف دچار کند؟ در تمام این سال‌ها به وضوح می‌دیدم آنانی که عقل معاش دارند می‌توانند امکانات مالی‌شان را در هر جایی غیر از حوزه فیلم‌سازی، سرمایه‌گذاری کنند و از بازگشت اصل سرمایه و سود آن مطمئن باشند. پس چرا هنوز در این کشور فیلم می‌سازیم؟ چرا هنوز سریال می‌سازیم و با سماجت دل به اندک سودهای حاصل از فروش قانونی آن خوش می‌کنیم؟ آنانی که دستی بر آتش دارند می‌دانند که بخش زیادی از فیلم‌های سینمایی تحت عناوین مختلف از بودجه دولتی بهره می‌برند. نگاهی به فهرست فیلم‌های سینمایی آخرین جشنواره فجر موید این نظر است و نیاز به توضیح اضافه ندارد. اینگونه آثار به هیچ‌وجه هزینه‌ای را که صرف ساختشان شده برنمی‌گردانند و البته این موضوع اهمیتی هم ندارد. این‌ها پول‌هایی است که روی سفره بودجه فرهنگی گسترده می‌شود و خواص بنا به جایگاه‌شان لقمه‌ای از آن برمی‌دارند. در چنین اوضاعی باز هستند کسانی در بخش خصوصی که دل به دریا می‌زنند و فیلم و سریال می‌سازند.

همه این‌ها را گفتم که برسم به بدعت جدید ساترا در مسدود کردن پلتفرم نماوا به بهانه پخش سریال «سووشون». برای من چنین حکمی بسیار عجیب است و با درکی که از منطق حقوقی این حوزه دارم چنین تصمیمی قابل فهم نیست.»

عفیفه سپس تصمیم در مسدود کردن نماوا را با سه استدلال به چالش کشیده است.

عدم تخطی آشکار

عفیفه در این یادداشت تاکید کرده است: «در سریال سووشون نسبت به دیگر آثار نمایش خانگی و حتی تلویزیونی چندان خارج از ضوابط پخش عمل نشده است. در سخت‌گیرانه ترین حالت با چند ممیزی مختصر می‌شد کار را همانند بقیه سریال‌ها پخش کرد. در همین تلویزیون با همه سخت‌گیری‌هایش در چندین سریال شاهد نمایش صحنه‌هایی بودیم که در پوشش زن‌ها از روسری استفاده نشده است، این اتفاق اگر در تلویزیون مجاز باشد قطعاً در نمایش خانگی هم باید مجاز باشد.»

اعتبار اثر و سازنده

این تهیه‌کننده با تاکید بر اعتبار اثر و سازنده آن آورده است: «رمان سووشون از آثار مهم ادبیات داستانی معاصر است. هم کتاب و هم نویسنده آن بارها مورد تقدیر قرار گرفتند. نرگس آبیار کارگردان سریال نیز از کارگردانانی است که کارنامه فعالیت حرفه‌ای‌اش به شدت مورد تایید ساترا و سایر نهادهای فرهنگی هم‌سو با ساتراست. به اندازه‌ای که از قسمت اول سریال «سووشون» دستگیرم شده ایشان تلاش کرده‌اند حداکثر وفاداری به متن را در برگردان سریالی آن مراعات کنند. آیا نباید رویکرد ساترا در مواجهه با این اثر با توجه به نکات فوق کمی متفاوت باشد؟ زمانی سخت‌گیری‌های نهادهای نظارتی شامل آثاری می‌شود که مضمون و مفهوم خاصی را منتقل نمی‌کنند و صرفاً برای سرگرمی مخاطب تولید شده‌اند اما در مورد سریال سووشون بی‌شک چنین صفتی صدق نمی‌کند. نکته جالب این است که گاه شاهد آن هستیم آثار سطحی بیشتر مشمول مهربانی و همدلی دوستان منجر می‌شوند. طبعاً من مخالف هرگونه سخت‌گیری و ممیزی نسبت به همه تولیدات متنوع نمایش خانگی و سینما هستم. مقایسه حاضر صرفا برای تشریح روشن‌تر نظارت بیان شده است.»

مجازات نامتناسب

اما مهم‌ترین بخش نقطه نظرات عفیفه به شیوه برخورد برمی‌گردد که با هشداری نسبت به محاق کشاندن بخش خصوصی و ایجاد فضای بی‌رقابتی، همراه شده و توضیح داده است:

«حال به مهم‌ترین نکته مطلب حاضر می‌رسم. به فرض که در سریال سووشون بنا به ضوابط ساترا تخلفی صورت گرفته باشد کدام قانون و مجوز حقوقی دستور به مسدود کردن یک پلتفرم که هزاران محتوای قابل پخش دیگر دارد می‌دهد؟ این همان اتفاق ترسناکی است که می‌تواند تیشه به ریشه نهال نوپای نمایش خانگی بزند. مقدمه‌ای که برای مطلب حاضر نوشتم ناظر به همین مطلب است. چرا شعار تولید در بخش سینما و سریال جدی گرفته نمی‌شود؟ آیا دستی نامرئی تلاش دارد مختصر تحرکی را که بخش خصوصی در حوزه فیلمسازی ایجاد کرده به محاق تعطیلی بکشاند و خود در فضای بی‌رقابتی که ایجاد می‌کند فاتحانه بتازد؟ این بدعتی است که ممکن است گریبان همه پلتفرم‌ها را بگیرد. معروف است که قانون بد بهتر از بی‌قانونی است. تخلف از قانون بد هم نباید منجر به بی‌قانونی شود و مجازات تخلف هم باید همچنان در چارچوب قانون صورت بگیرد. این نکته‌ای است که نباید از چشم فعالان نمایش خانگی ـ بخصوص بقیه پلتفرم‌ها ـ پنهان و مغفول بماند و به نظرم منطقی است که همه هنرمندان و مدیران پلتفرم‌ها یکصدا به این تصمیم ساترا معترض باشند.»

امیدواری به خطای انسانی

عفیفه در پایان این یادداشت ابراز امیدواری کرده است:

«در خاتمه خوش‌بینانه امیدوارم این اتفاق ناشی از خطای انسانی باشد و مجوز گشایش پلتفرم نماوا به‌زودی زود صادر شود. در این صورت حل شدن مشکل پخش «سووشون» بسیار ساده‌تر خواهد بود.»

مهشید میرمعزی عنوان کرد

از یک داستان استثنایی تا یک نقش مهم

مهشید میرمعزی بر ویراستاری آثار تأکید دارد و می‌گوید: در تألیف اگر ویراستار اجازه صحبت کردن داشته باشد، شاید خیلی از کتاب‌هایی که منتشر می‌شود، منتشر نمی‌شد.

این مترجم زبان آلمانی درباره کتاب جدید خود گفت: هرگز نمی‌گویم با دقت بیشتر زیرا همواره حداکثر دقت را به‌خاطر احترامی که برای مخاطبم قائلم، در ترجمه به کار می‌برم و در این سال‌ها با دقت بیشتری کتاب‌ها را انتخاب می‌کنم. اینکه مخاطبی به من پیام می‌دهد چقدر داستان این کتاب جالب بود یا چقدر این کتاب را دوست داشتم و ... برایم ارزشمند است. می‌خواهم مخاطبانم کتاب خوب بخوانند و خوشبختانه سلیقه مخاطبان به سلیقه من نزدیک شده و تقریبا کتاب‌های آخرم در چاپ اول نمانده و به چاپ‌های بعدی رسیده‌اند.

میرمعزی سپس با اشاره به صدور مجوز کتاب جدیدش که در نشر ثالث منتشر خواهد شد، گفت: سال گذشته کتابی با عنوان «دعوت به نوشتن» دوربس دوریه منتشر شد. این کتاب برای کسانی است که دوست دارند بنویسند و یا کارگاه نویسندگی دارند و یا کسانی که نمی‌خواهند بنویسند اما دوست دارند کتاب‌های خوبی بخوانند. این کتاب به چاپ سوم رسیده است. نویسنده بعد از این کتاب، کتاب دیگری با عنوان «تمرین نوشتن» منتشر کرد که مانند یک دفتر مشق برای نوشتن است؛ خود نویسنده متنی کوتاه درباره موضوعی می‌نویسد و می‌گوید شما هم بنویسید. دفتر مشق است و در ادامه «دعوت به نوشتن». البته دوربس دوریه بعد از مدتی که این کتاب‌ها در آلمان جا افتاد، آن‌ها را در قالب یک کتاب منتشر کرد.

مترجم «ما که خواهریم»، «دروغ‌ها درباره مادرم» و «کتاب‌گردان» با بیان اینکه ترجمه کتاب جدیدی را به ناشر تحویل داده است اما توضیح درباره آن برای بعد بماند، اظهار کرد: کتاب فوق‌العاده زیباست. من همه کتاب‌هایم را دوست دارم، «دنیای دیروز» و «وزن کلمات» جگرگوشه‌های من هستند، ولی این کتاب استثنایی‌ترین کتابی است که ترجمه کرده‌ام زیرا داستان استثنایی‌ای دارد. میرمعزی درباره تأکیدی که بر مسئله ویرایش کتاب دارد و اینکه در کتاب‌های ترجمه چقدر به ویرایش اهمیت داده می‌شود، اظهار کرد: کسانی را می‌شناسم که ترجیح می‌دهند کتابشان دیرتر ترجمه شود ولی با دقت بیشتر و اشتباه کمتری باشد. وسواس دارند. مترجمان درجه یک بسیاری داریم که نمی‌توانند بی‌تفاوت باشند. شخصا بر مسئله ویراستار تأکید دارم زیرا نتیجه‌اش را دیده‌ام. ویراستار کارهای من خانم دکتر فهیمه شانه هستند و هر کتابی از من را ویراستاری کردند، من جایزه بردم؛ درست است که من کتاب را ترجمه کرده‌ام اما آخرین قلم‌ها وصیقل‌ها را ایشان می‌کشد.

وی خاطرنشان کرد: همواره به موضوع ویرایش تأکید دارم و معتقدم این موضوع مانند کبی‌رایت و چیزهای دیگر نیاز به فرهنگ‌سازی دارد؛ از ناشران بسیاری شنیده‌ام که «خانم کارهای شما ویرایش نمی‌خواهد»؛ چرا کارهای من هم ویرایش می‌خواهد. هرچقدر مترجم زبردستی باشم و درخشان ترجمه کنم باز چیزهایی از چشم دور می‌افتد، جمله‌ای نامفهوم و مبهم باقی می‌ماند اما وقتی شخص دیگری کتاب را می‌خواند و جمله‌ای را پیشنهاد می‌دهد و یا چه بسا خودم پیشنهاد کنم، متن بهتر می‌شود. بر این موضوع تأکید دارم و فکر می‌کنم یواش یواش باید این شغل و این مرحله از تولید کتاب را جدی‌تر بگیریم و به رسمیت بشناسیم. همکاران حرفه‌ای‌مان دوست دارند کارهایشان ویرایش شود و البته چند تا از مترجمان خیلی خوب‌مان ویراستاران درجه یکی هستند. بنابراین لزوم وجود ویراستار روشن است.

مترجم «او بازگشته است» و «دختر راه دور» سپس بیان کرد: در تألیف اگر ویراستار اجازه صحبت کردن داشته باشد، شاید خیلی از کتاب‌هایی که در بازار هست، منتشر نمی‌شد. ممکن است ویراستار باسوادی بگوید این داستان اصلا چیست، همان کاری که ویراستار همینگوی می‌کرد، بالاتر از همینگوی که نداریم. ویراستار به لحاظ محتوایی ویرایش کند و مثلا بگوید ۱۰۰ صفحه اضافه است یا شخصیت اضافه است و داستان بد است. البته نویسنده و مترجم نیز باید ظرفیت خود را بالا ببرند. من این نگاه را ندارم که ویراستار می‌خواهد اشتباهات من را بگیرد. شاید ویراستار جمله پیشنهادی داشته باشد اما من قبول نکنم؛ اگر ویراستار ۱۰ پیشنهاد به من بدهد که دوتایش هم جالب باشد، دو پیشنهاد در جهت بهبود کتاب است.

میرمعزی در پایان تأکید کرد: نباید ویراستار را در مقابل خودمان ببینیم بلکه باید او را در کنار خودمان ببینیم. اگر این نگاه را داشته باشیم و ظرفیتمان را بالاتر ببریم و با خود بگوییم شاید من اشتباه کرده‌ام و شاید جمله را بد ترجمه کرده‌ام یا شاید این بخش نامفهوم است و دلیل بر این نیست که من مترجم بدی هستم، مسئله حل می‌شود.

دریچه

«خلاصه جریان هنر مستقل» به روایت نویسنده «لاک پشت و حلزون»

نویسنده فیلمنامه «لاک‌پشت و حلزون» گفت: پیشنهاد می‌کنم با چیزهایی که برایتان ناآشناست، با مدارا برخورد کنید و آن را فورا نفی یا طرد نکنید، زیرا ممکن است اگر چند بار به آن رجوع کنید، با آن آشنا شوید. این خلاصه جریان هنر مستقل است. هنری که شاید نیاز به آزادی بیشتری دارد.به نقل از مشاور رسانه‌ای پروژه، مراسم رونمایی و اکران افتتاحیه فیلم سینمایی «لاک‌پشت و حلزون» به کارگردانی رضا حماسی شامگاه یکشنبه ۱۸ خرداد ماه جاری با حضور سازندگان فیلم، جمعی از هنرمندان و اهالی رسانه توسط گروه سینمایی هنر و تجربه در موزه سینما برگزار شد.

پیش از نمایش فیلم، رضا حماسی کارگردان فیلم «لاک‌پشت و حلزون» ضمن خیرمقدم به مخاطبان گفت: در سینمای مستقل مهم‌ترین عاملی که افراد را گرد هم می‌آورد، علاقه‌شان به آن فیلم است و جا دارد از همه عوامل خوب این فیلم تشکر کنم که بدون آن‌ها، این فیلم به این شکل ساخته نمی‌شد. زمانی که تصمیم گرفتم «لاک‌پشت و حلزون» را بسازم، پنج سال طول کشید تا به مرحله فیلمبرداری برسیم؛ آن هم بدون یافتن تهیه‌کننده و هیچ‌گونه حمایت مالی، اما دستاوردش این بود که فیلمی ساختم که دقیقا دلم می‌خواست بسازم؛ آن هم در سخت‌ترین روزها، در زمستان و پاییز ۱۳۹۹، در میانه پاندمی کرونا.وی ادامه داد: پس از پایان فیلم، سه چهار سال درگیر گرفتن پروانه نمایش شدیم که بزرگ ترین دستاورد این فاصله زمانی این است که فیلم را همان‌گونه که ساخته شده است، بدون سانسور تماشا می‌کنید.

ما معمولاً در یک چرخه تکراری گرفتار می‌شویم، بنابراین این بار قضیه پخش فیلم را طولانی نکردیم و به لطف گروه هنر و تجربه، اکران این فیلم انجام شد. امیدوارم هنر و تجربه محلی شود برای بازگشت مخاطبانی چون خود من که دیگر به سینما نمی‌روند و موجب شود ما دوباره در سینما فیلم ببینیم که اگر این اتفاق بیفتد، کمک بزرگی برای بقای سینمای مستقل و ادامه پر قدرت آن خواهد بود.

محسن رضایی، نویسنده فیلمنامه نیز گفت: تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که این فیلم به شیوه مرسوم فیلمسازی استودیویی به این معنا که تهیه‌کننده‌ای از ابتدا داشته باشد، نویسنده و کارگردانی را استخدام کند و با بازیگران قرارداد ببندد، شکل نگرفت. در سینمای مستقل، اتفاقات روندی شاعرانه دارند.

ایده‌ای به ذهن نویسنده می‌رسد و نوشته می‌شود، بدون آنکه بداند ساخته خواهد شد یا نه. از خوش‌شانسی ما، یک کارگردان چیره‌دست پیدا شد که فیلمنامه را پسندید و تصمیم گرفت آن را بسازد.وی افزود: در روند ساخت چنین فیلم‌هایی، همه گاهی خارج از حوزه مسئولیت خود مداخله می‌کنند، پیشنهاد می‌دهند، تصمیم‌گیری می‌کنند، گاهی پشیمان می‌شوی و گاهی از خودت تعجب می‌کنی. در این پروژه حتی کار به جایی رسید که من به‌عنوان نویسنده، با توجه به تجربه موسیقیایی‌ام در گروه هاگ در موسیقی فیلم هم مشارکت کردم و گروه هاگ تصمیم گرفت که روی موسیقی اثر کار کند. درباره فیلم چیز بیشتری ندارم بگویم، چون هر آنچه داشتم را در فیلمنامه نوشته‌ام.

نویسنده فیلمنامه «لاک‌پشت و حلزون» همچنین گفت: من به عنوان یک فرد در اجتماع پیشنهاد می‌کنم با چیزهایی که برایتان ناآشناست، با مدارا برخورد کنید و آن را فورا نفی یا طرد نکنید، زیرا ممکن است اگر چند بار به آن رجوع کنید، با آن آشنا شوید. این خلاصه جریان هنر مستقل است. هنری که شاید نیاز به آزادی بیشتری دارد و این آزادی را از آن جهت می‌خواهد تا بتواند ناآشناها را برای شما آشنا کند و از شما برای آشنا شدن با آن چیز ناآشنایی که ارائه می‌دهد، دعوت می‌کند.

فیلم سینمایی «لاک‌پشت و حلزون» به کارگردانی رضا حماسی و با نویسندگی محسن رضایی و تهیه‌کنندگی مشترک رضا حماسی و هوشنگ نورالهی و با حضور بازیگرانی همچون علی مصفا، لیلا زارع، سام نوری، مهران ناظل و البرز کروبه (در نقش پدرام) ساخته شده و از فردا در سینماهای منتخب گروه سینمایی هنر و تجربه اکران می‌شود.

مستند «هجده هزارپا» ساخته مهدی شامحمدی
از روز گذشته اکران آنلاین شد

فیلم کوتاه «آنارشی» به نویسندگی و کارگردانی مجید کاظمی
به جشنواره فیلم فضای باز آلبانی راه یافت

مراسم تشییع پیکر بیژن اشتری
مترجم و منتقد امروز برگزار می‌شود

مراسم رونمایی از کتاب «دیوان منوچهری دامغانی»
به تصحیح و تحقیق راضیه آبادیان برگزار می‌شود